

نقش و عملکرد محمدتقی مجلسی در بررسی و تمییز راویان مشترک

فاطمه شریعتی^۱

سید مهدی لطفی^۲

چکیده

تمییز مشترکات به عنوان یکی از مباحث تحقیقی علم رجال، نقش مؤثری در حجیت یا عدم حجیت اخبار دارد. رجالیان متأخر توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته و در تمییز مشترکات کوشیده‌اند. تلاش‌های صورت گرفته در سه قالب ارائه کتب مستقل در موضوع مشترکات، توجه به مشترکات و ضوابط تمییز آنها در ضمن آثار رجالی و بررسی مشترکات و راه‌های تشخیص آنها در ضمن شروح حدیثی است. مجلسی اول یکی از افرادی که در ضمن شروح حدیثی و رجالی خود به بررسی عناوین مشترک پرداخته است. نقش وی در بررسی راویان مشترک از چند جهت قابل بررسی است. وی در پاره‌ای از موارد، نخستین فردی است که به اشتراک دو عنوان اشاره داشته است. ذکر اشتراک در عناوین محمد بن میسر، حمدان دیوانی، ابن مسکان و حسن بن صالح از جمله این موارد است که توسط سایر رجالیان ذکر نشده و به تبع آن، راهکاری نیز برای تمییز آنها ارائه نشده است. مجلسی اول در تمییز پاره‌ای از عناوین مشترک از قراینی متفاوت از قراین دیگر رجالیان بهره گرفته است که چنین امری در بررسی عناوین مشترک رجال، محمد بن میسر، واقد، حمدان و حسن بن زیاد قابل مشاهده است. همچنین مجلسی اول در بررسی راویان مشترک، از قواعد و ضوابطی همچون توجه به طبقه راوی، دقت در راوی و مروی عنه، مقایسه اسانید، جست و جوی روایت در منابع متقدم، کثرت روایت، انصراف و توجه به اطلاعات رجالی راوی بهره برده است. مقاله حاضر به روش توصیفی در صدد تبیین نقش و عملکرد مجلسی اول در بررسی راویان مشترک و آرا و نظریات وی در این حوزه و تحلیل ضوابط مدنظرو وی است.

کلید واژه‌ها: علم رجال، تمییز مشترکات، محمد تقی مجلسی، محدثان متأخر.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (f.shariati1367@yahoo.com)

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) (lotfi32@gmail.com).

حدیث مشترک حدیثی است که راوی یا راویانی در سلسله سند آن، قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق داشته باشند و به اصطلاح میان چند نفر مشترک باشند.^۳ پیشینه مباحث تمییز مشترکات و بیان ضوابط آن به دوره متأخران برمی گردد. در این دوره موضوع مشترکات در سه قالب تألیف کتب مستقل در حوزه مشترکات، توجه به مشترکات در ضمن آثار رجالی و بررسی مشترکات و راه‌های تشخیص آنها در ضمن شروح حدیثی و رجالی است. در این بین، تمرکز بر بیان ضوابط تمییز مشترکات، در ضمن آثار مستقل رجالی و شروح حدیثی صورت گرفته است. آثار مستقل این دوره عبارت‌اند از: *جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث و الرجال فخر الدین طریحی* (م ۱۰۸۵ ق)، *هدایة المحدثین الی طریق المحمدین مشهور به مشترکات کاظمی*، تألیف مولی محمد امین کاظمی و *فائق المقال فی الحدیث و الرجال احمد بن عبد الرضا بصری* (زنده در ۱۰۸۵ ق). آثار نامبرده از آثار مستقل و جزء مهم‌ترین نگاشته‌ها در باب تمییز مشترکات به شمار می‌روند.

در کنار این آثار، توجه به تمییز مشترکات در ضمن شروح حدیثی نیز پیگیری شده است. از جمله افرادی که در این دوره به بررسی تمییز مشترکات و بیان ضوابط آنها پرداخته، محمد تقی مجلسی است. اهمیت مجلسی در این حوزه از این جهت است که وی در دوره‌ای قرار دارد که بیشترین اهتمام بر تمییز مشترکات و تعیین قواعد و ضوابط آن بوده است. از مجلسی اول دو اثر رجالی مستقل بر جای مانده است که یکی شرح مشیخه من لا یحضره الفقیه است و دیگری حاشیه نقد الرجال تفرشی. محقق تهرانی از شرح مشیخه با عناوینی چون شرح الاحادیث^۴ و الروضة البهیة^۵ یاد کرده و این دو نام را اسامی تاریخی شرح مشیخه الفقیه می‌داند. همچنین از آن با نام رجال المولی محمد تقی المجلسی و طبقات الروات^۶ نیز یاد کرده است. شرح مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه محمد تقی مجلسی، به عنوان جلد چهاردهم از کتاب روضة المتقین ایشان چاپ شده است. همچنین وی ضمن شرح احادیث من لا یحضره الفقیه و تهذیب الاحکام به بیان مباحث رجالی نیز پرداخته است که به دلیل ماهیت شرح داشتن کتابش، به صورت عملی به تمییز راویان و تعیین ضوابط تمییز

۳. تنفیح المقال، ج ۱، ص ۲۸۸.

۴. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۳، ص ۶۴.

۵. همان، ج ۱۱، ص ۲۹۰.

۶. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۱.

آنها همت گمارده است.

با توجه به جامعیت شرح المشیخه باید گفت این کتاب نسبت به حاشیه نقد الرجال بیشتر انعکاس دهنده دیدگاه‌ها و آرای رجالی مرحوم محمد تقی مجلسی است و عمده مباحث رجالی ایشان در شرح مشیخه روضه المتقین بیان شده است. وی در این کتاب اهتمام فراوانی در تمییز مشترکات دارد و با بهره‌گیری از قواعد و ضوابط مختلفی وضعیت راویان مشترک را روشن نموده است. مجلسی اول این ضوابط را در ضمن بررسی‌های رجالی خویش نسبت به راویان بیان داشته و گونه‌ای از کاربرد آنها را به صورت مستدل در کلام خویش روشن ساخته است. البته وی بخشی از ضوابط را به صراحت بیان داشته و بخشی دیگر را به صورت غیر صریح در ضمن آثار خود، به ویژه در روضه المتقین مورد استفاده قرار داده است. مجلسی به اشتراک نام ۶۱ راوی اشاره داشته که از بین آنها در بررسی حدود ۵۳ راوی، ضوابطی را در تمییز آنها لحاظ کرده است.

دقت مجلسی اول و تلاش وافرویی در این زمینه سبب شده است که رجالیان پس از او، آرا و نظرات وی در حوزه تمییز مشترکات را مد نظر قرار دهند. بررسی آثار علامه مجلسی، محمد امین کاظمی و وحید بهبهانی حاکی از تاثیرپذیری آنها از آرای مجلسی اول در مباحث مختلف رجالی، از جمله تمییز مشترکات است. مجلسی اول در مواردی به بیان اشتراک عناوینی پرداخته که از نظر دیگر رجالیان مغفول مانده است. وی در بررسی پاره‌ای از عناوین مشترک از قرآینی متفاوت از دیگر رجالیان بهره برده و گاه بر اساس قرینه‌ای خاص به تمییز راویان مشترک همت گمارده است. از این رو، نقش وی در ابعاد مختلفی در حوزه تمییز مشترکات قابل بررسی است. همچنین یکی از مسائل مهم در مباحث رجالی از جمله تمییز مشترکات، تبیین سیر تاریخی شکل‌گیری و روند تکامل آنها است که با وجود ماهیت تاریخی داشتن، از نظر عملی نیز می‌تواند راه‌گشا باشد. بر این اساس، بررسی آرای رجالی افرادی همچون مجلسی که محوریتی در عصر خویش داشته و اثرگذار بر افراد و جریان‌های پس از خویش بوده‌اند، از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. با وجود تلاش فراوان مجلسی اول در تمییز مشترکات و تبیین ضوابط آن و اثرگذاری وی بر رجالیان پس از خود، تا کنون آرا و ضوابط مدنظرویی در تمییز مشترکات مورد بررسی قرار نگرفته است. بر این اساس، مقاله حاضر با در نظر داشتن ضرورت بررسی آرای مجلسی اول و ضوابط مدنظرویی در این زمینه ضمن بررسی تمییز مشترکات، ضوابط تشخیص و شیوه استدلال مجلسی اول در تعیین وضعیت راویان مشترک، نقش وی در انتقال و گسترش این مباحث را مدنظر قرار خواهد داد.

۱. علل ایجاد اشتراک

یکی از مهم‌ترین علل ایجاد اشتراک، تشابه اطلاعات رجالی و اختصار نام راویان است؛ برای مثال ذکر نام راوی و عدم بیان نام پدر وی، موجب اشتراک راویان همنام می‌شود. همچنین در موارد مشابهت نام و نام پدر، عدم ذکر کنیه و نسب ایشان می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد اشتراک شود. همچنین تشابه کنیه و نسب و سایر موارد مذکور در اطلاعات رجالی روایت می‌تواند موجبات پیدایش اشتراک را فراهم آورد. صاحب معالم علت پدیدآیی اشتراک را عملکرد متقدمان در نقل احادیث و تقطیع اسناد می‌داند. از نظری، متقدمان اخبار متعدد با مضامین مختلف را از طریق واحد ذکر می‌کردند و اسناد را با اعتماد به سند تفصیلی روایت اول به اجمال می‌آوردند. پس از انتقال این روایات به سایر کتب، با ترتیبی متفاوت و تقطیع آنها به جهت اختلاف مضامین، سند تفصیلی ابتدایی^۷ و به تعبیر دیگر، قراین شناسایی سند و تمییز هر یک از راویان، از میان رفت. از دیگر علل ایجاد اشتراک می‌توان به تصحیف نام راویان و عدم ضبط دقیق اسامی ایشان اشاره کرد که در اقسام اشتراک از آن سخن به میان خواهد آمد.

۲. ضرورت تمییز مشترکات

ضرورت تمییز مشترکات زمانی آشکار می‌شود که یک یا چند تن از راویان مشترک، ثقه و برخی دیگر غیر ثقه باشند. نمونه این نوع اشتراک در آرای مجلسی، اشتراک عبدالله بن ولید،^۸ عبد الحمید بن سالم و عبد الحمید بن سعد،^۹ ابراهیم بن اسحاق،^{۱۰} عنبسه،^{۱۱} حسن بن زیاد،^{۱۲} اسحاق بن عمار،^{۱۳} عیسی بن عبد الله^{۱۴} و حمدان^{۱۵} است. مجلسی در شرح روایتی در «باب احکام السهو فی الصلاة»^{۱۶} به علت وجود نام مشترک علی بن ابی حمزه در سند،

۷. منتقى الجمان، ج ۱، ص ۳۵.

۸. روضة المتقين، ج ۱۴، ص ۱۵۴ - ۳۸۷.

۹. همان، ج ۱۴، ص ۳۷۸.

۱۰. همان، ج ۱۴، ص ۳۲۶.

۱۱. همان، ج ۱۴، ص ۴۰۷.

۱۲. همان، ج ۹، ص ۱۲۵.

۱۳. همان، ج ۳، ص ۹۰ - ۱۴، ص ۵۰.

۱۴. همان، ج ۶، ص ۱۱۵.

۱۵. همان، ج ۱۴، ص ۱۰۷.

۱۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۰۲۲.

بیان می‌دارد که احتمالاً وی بطائنی ملعون است و البته احتمال این که وی ثمالی ثقه باشد نیز وجود دارد، ولی به سبب اشتراک، حدیث از رتبه اعتماد ساقط است.^{۱۷} همچنین به خاطر اشتراک موسی بن عمر میان ابن یزید بن ذبیان صیقل غیر ثقه و ابن بزیع ثقه، امکان حکم به صحت وجود ندارد^{۱۸} و در صورتی که امکان تمییز نباشد، خبر قوی کالصحیح خواهد بود.^{۱۹} همچنین اشتراک ابن اعین میان عبد الملک و مالک موجب می‌شود اعتبار سند از حسن به قوی کالصحیح تنزل یابد.^{۲۰}

۳. نقش مجلسی اول در تمییز مشترکات

هر چند مجلسی اول کتاب رجال مستقلی نداشته است، اما بررسی‌های رجالی وی در ضمن شرح بر احادیث و به ویژه شرح مشیخه من لایحضر الفقیه، نمود یافته است. از جمله مباحث مورد توجه وی در ضمن بررسی اسامی راویان، توجه به تشخیص و تمییز عناوین مشترک است. نقش وی به عنوان فردی اثرگذار در مبحث تمییز راویان مشترک از چند جهت توجه به اشتراک عناوین مغفول توسط دیگر رجالیان، ذکر قرینه کاربردی در تمییز مشترکات و تمییز مشترکات ضمن بررسی روایات قابل بررسی است که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۳-۱. توجه به اشتراک عناوین مغفول

مجلسی اول در پاره‌ای از موارد، نخستین فردی است که به اشتراک دو عنوان اشاره داشته است؛ نمونه این امر اشتراک عنوان محمد بن محمد بن میسراست. هر چند مجلسی با ارائه برخی قرائین، اتحاد محمد بن میسر بن عبدالعزیز نخعی بیاع زطی و محمد بن میسر کنندی (با زیادت هاء) را ممکن دانسته، ولی امکان تعدد را نیز بعید نمی‌داند. شیخ طوسی، محمد بن میسر کنندی را مجهول و از اصحاب امام صادق علیه السلام معرفی نموده است، ولی از نظر مجلسی، تعدد و مجهول بودن ضروری به سند حدیث وارد نمی‌کند؛ زیرا اطلاق، به قرینه کتاب و راویان به مشاهیر باز می‌گردد.^{۲۱} این سخن - که ناظر به قرینه‌ای کلی در تمییز

۱۷. لوامع صاحبقرانی، ج ۴، ص ۲۷۰.

۱۸. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۵۱.

۱۹. همان، ص ۴۶۳.

۲۰. همان، ج ۱۱، ص ۳۸۷.

۲۱. همان، ج ۱۴، ص ۴۵۳.

مشترکات است - نخستین بار توسط مجلسی عنوان شده و پس از وی مورد توجه برخی رجالیان قرار گرفته است.^{۲۲} اردبیلی و تفرشی در باره اشتراک این عنوان و به تبع آن راهکاری برای تمییز بحث نکرده‌اند و کاظمی^{۲۳} و بصری^{۲۴} نیز فقط به ذکر روایان محمد بن میسر بیاع زطی پرداخته‌اند. همچنین طریحی فقط راوی محمد بن میسر ابو نصر زعفرانی را ذکر کرده و از سایر روایان مشترک در این عنوان سخنی به میان نیاورده است. از این رو، می‌توان مجلسی را نخستین فردی دانست که به اشتراک عنوان و قاعده تمییز آن اشاره کرده است.

نمونه دیگر، تمییز حمدان دیوانی در میان روایانی است که در این نام مشترک‌اند. نام «حمدان» از جمله اسامی مشترک میان روایان ثقه، ممدوح و ضعیف است.^{۲۵} حمدان بن سلیمان،^{۲۶} حمدان بن اسحاق،^{۲۷} حمدان بن حسین،^{۲۸} حمدان ابن احمد نهدی،^{۲۹} ابوجعفر ابوجعفر قلانسی^{۳۰} و حمدان دیوانی^{۳۱} از جمله این روایان هستند. از نظر مجلسی، نسب دیوانی تنها بر نفر آخر صدق می‌کند و از این رو، قرینه شناخت وی به شمار می‌رود.^{۳۲} نخستین بار مجلسی به انحصاری بودن نسب دیوانی اشاره کرده و پس از او بهبهانی در تمییز حمدان از این نکته بهره برده است.^{۳۳} این در حالی است که اردبیلی و تفرشی به اشتراک عنوان اشاره ندارند و طریحی،^{۳۴} کاظمی^{۳۵} و بصری^{۳۶} نیز در تمییز مشترکین در نسب دیوانی به ذکر روایان ایشان پرداخته‌اند، ولی به هیچ روی، از حمدان دیوانی سخنی به میان

۲۲. تعلیقه علی منهج المقال، ص ۳۳۰؛ طرائف المقال، ج ۱، ص ۵۹۷.

۲۳. هدایة المحدثین، ص ۲۵۶.

۲۴. فائق المقال، ص ۲۴۰.

۲۵. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۰۷.

۲۶. همان، ج ۸، ص ۷۲؛ ج ۱۴، ص ۱۸۳.

۲۷. همان، ج ۸، ص ۶۲۹.

۲۸. همان، ج ۱۱، ص ۴۱۳؛ ج ۱۴، ص ۱۰۷.

۲۹. همان، ج ۱۴، ص ۴۵۶.

۳۰. همان، ج ۱۴، ص ۲۶۹ و ۴۵۲.

۳۱. همان، ج ۵، ص ۳۹۶؛ ج ۱۴، ص ۱۰۷.

۳۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۰۷.

۳۳. رک: تعلیقه علی منهج المقال، ص ۱۵۸.

۳۴. جامع المقال، ص ۶۴.

۳۵. هدایة المحدثین، ص ۵۱.

۳۶. فائق المقال، ص ۲۴۰.

نیاورده‌اند. دیوانی بر اهالی دیوان، کوچه‌ای در مرو، اطلاق می‌شود.^{۳۷} مثال دیگر، توجه به اشتراک کنیه ابن مسکان است که از کنیه‌های مشترک میان برخی راویان، از جمله عبدالله بن مسکان و عمران بن مسکان است. عمران بن مسکان، ابومحمد، کوفی، ثقه و از مشایخ حمید بن زیاد است.^{۳۸} کتاب نوادروی از طریق حمید بن زیاد نقل شده است.^{۳۹} با توجه به این که حمید بن زیاد متوفای ۳۱۰ هجری است،^{۴۰} عمران بن مسکان از راویان طبقه چهارم محسوب می‌شود.^{۴۱} طوسی وی را در زمره راویانی بر شمرده که از معصومان نقل روایت نکرده‌اند.^{۴۲}

عبدالله بن مسکان، مولی‌ عنزه - که از وی با تعبیر ثقه و عین یاد شده است - از جمله راویان امام کاظم علیه السلام به شمار می‌رود^{۴۳} و در زمره فقها و از جمله اصحاب اجماع است.^{۴۴} عبدالله بن مسکان در دوران امام کاظم علیه السلام و قبل از حادثه درگذشت.^{۴۵} از این رو، بر اساس طبقه‌بندی مد نظر مجلسی، وی از راویان طبقه هشتم و نهم است.^{۴۶} نجاشی ضمن بیان این که برخی وی را از راویان امام صادق علیه السلام می‌دانند، این مطلب را امری ثابت نشده عنوان کرده است؛^{۴۷} همان‌طور که ابن داود نیز معتقد است عبدالله بن مسکان از امام صادق علیه السلام تنها روایت من ادرك المشعر را نقل کرده است.^{۴۸} البته مجلسی این سخن نجاشی را سهو می‌داند؛ زیرا به اعتقاد وی، به نقل از عبدالله بن مسکان حدوداً سی حدیث از امام صادق علیه السلام در کتب اربعه و غیر آن ذکر شده است.^{۴۹} ذکر این رقم پس از مجلسی و به نقل از وی مورد توجه برخی رجالیان و محدثان قرار گرفته است.^{۵۰} هر چند هر دو نفر این راویان ثقه

۳۷. الانساب، ج ۲، ص ۵۳۲.

۳۸. رجال النجاشی، ص ۲۹۱.

۳۹. فهرست کتب الشیعه، ص ۳۴۲.

۴۰. رجال النجاشی، ص ۱۳۲.

۴۱. رک: روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۳.

۴۲. رجال الطوسی، ص ۴۳۰.

۴۳. رجال النجاشی، ص ۲۱۴.

۴۴. رجال الکشی، ص ۳۷۵.

۴۵. رجال النجاشی، ص ۲۱۴.

۴۶. رک: روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۳.

۴۷. رجال النجاشی، ص ۲۱۴.

۴۸. رجال ابن داود، ص ۳۸۸.

۴۹. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۷۳.

۵۰. رک: تعلیقة علی منهج المقال، ص ۲۳۱؛ مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۰۹.

هستند، ولی مجلسی بعد طبقه را مانع از اشتباه شدن این دوراوی دانسته است.^{۵۱} سایر رجالیان، بدون این که عمران را نیز مشترک در این عنوان بدانند، ذکر این مسکان به طور مطلق را منصرف به عبدالله بن مسکان دانسته‌اند.^{۵۲}

نمونه دیگر این امر، اشتراک عنوان حسن بن صالح است. هر چند برخی قایل به اتحاد حسن بن صالح بن حی و حسن بن صالح احوول هستند،^{۵۳} ولی مجلسی این نام را در زمره اسامی مشترک می‌داند^{۵۴} و دقت در راوی و مروی عنه را قرینه تمییز هر یک برمی‌شمرد.

حسن بن صالح بن حی همدانی ثوری، راوی زیدی مذهبی است که در زمره راویان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به شمار می‌رود.^{۵۶} شیخ صدوق پس از بیان و شرح اعتقاد بتریه (طایفه ای از زیدیه) در تقدیم مفضول بر فاضل، حسن بن صالح بن حی را نیز در زمره ایشان قلمداد کرده است.^{۵۷} هر چند وی از نظر مذهب، مردود است، ولی کتاب او از اصول و مورد اعتماد قدما بوده و آنها، به عکس متاخران، به آن استناد می‌کردند.^{۵۸}

حسن بن صالح احوول، کوفی و صاحب کتابی است که از طریق عباس بن عامراز او نقل شده است.^{۵۹} وی از اصحاب امام کاظم علیه السلام به شمار می‌رود. مجلسی با عنایت به مروی عنه دو راوی بیان داشته، در صورتی که روایت، منقول از امام صادق علیه السلام باشد، حسن بن صالح بن حی مد نظر است و اگر به نقل از امام کاظم علیه السلام باشد، مقصود، حسن بن صالح بن احوول است.^{۶۰} کاظمی نیز به نقل از مجلسی این نکته را قرینه تمییز/احول از سایرین دانسته است.^{۶۱} در مباحث رجالی اردبیلی، تفرشی و بصری به اشتراک این عنوان و به تبع آن، راهکار تمییز ایشان اشاره ای نشده است. البته طریحی بدون تنبه دادن به اشتراک نام حسن

۵۱. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۰۶.

۵۲. هدایة المحدثین، ص ۳۰۹؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۴۳۶؛ جامع المقال، ص ۱۴۳؛ نقد الرجال، ج ۵، ص ۲۶۴؛ فائق

المقال، ص ۱۸۸؛ توضیح المقال فی علم الرجال، ص ۱۰۵؛ قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۶۳۷.

۵۳. معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۳۵۲؛ المفید من معجم رجال الحدیث، ص ۱۴۲.

۵۴. روضة المتقین، ج ۸، ص ۳۳۱.

۵۵. رجال الطوسی، ص ۱۳۰.

۵۶. همان، ص ۱۸۰.

۵۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۴۴.

۵۸. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۵۱.

۵۹. رجال النجاشی، ص ۵۰.

۶۰. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۵۱.

۶۱. هدایة المحدثین، ص ۴۰.

بن صالح، ذیل نام راویان مسمی به حسن، روایت عباس بن عامر را قرینه تشخیص حسن بن صالح دانسته است.^{۶۲}

۳-۲. ذکر قرینه کاربردی در تمییز عناوین مشترک

گاه مجلسی اول نخستین فردی است که به ذکر ضابطه تشخیص راویان پرداخته و یا از ضابطه ای خاص در شناسایی افراد مشترک بهره گرفته است. در پاره ای از موارد نظری مورد استفاده دیگران نیز قرار گرفته است. از جمله این ضوابط می توان به بهره گیری از کنیه در تمییز راویان همنام با عنوان واقد اشاره کرد. عبدالله بن واقد لحام کوفی و عبدالله بن ابی یغفور، که وی نیز واقد نام دارد^{۶۳} هر دو از اصحاب امام صادق علیه السلام^{۶۴} و از راویان طبقه نهم به شمار می روند.^{۶۵} اشتها را بن ابی یغفور به کنیه، تمییز این دو راوی را مقدور می سازد. البته در صورت اشتباه نیز اشکالی متوجه سند نیست؛ زیرا لحام به ابن ابی یغفور شبیه است، نه برعکس.^{۶۶} لازم به ذکر است که نخستین بار به کارگیری این قرینه در تمییز راویان همنام در واقد توسط مجلسی عنوان شده و پس از ایشان نیز بهبهانی بدان استناد نموده است.^{۶۷} سایر رجالیان معاصر مجلسی، چون اردبیلی، طریحی، تفرشی، کاظمی و بصری قرینه ای را جهت تمییز راویان مشترک در این کنیه ارائه نداده اند.

مثال دیگر، عنوان حسن بن زیاد است که از جمله اسامی مشترک محسوب می شود.^{۶۸} برخی رجالیان قایل به اتحاد حسن بن زیاد عطار و حسن بن زیاد صیقل هستند؛^{۶۹} حال آن که توجه به وصف راوی، این اتحاد را نفی می کند. بر اساس تتبع تام مجلسی، نام حسن بن زیاد صیقل در بیشتر موارد مقید به این نسب است. از این رو، ذکر نام حسن بن زیاد به طور مطلق، دال بر حسن بن زیاد عطار است.^{۷۰} کاربرد این قرینه در تمییز حسن بن زیاد نخستین

۶۲. جامع المقال، ص ۱۴۳.

۶۳. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۸۶.

۶۴. رجال النجاشی، ص ۲۱۳؛ رجال الطوسی، ص ۲۳۱.

۶۵. رک: روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۳.

۶۶. همان، ج ۱۴، ص ۳۸۶.

۶۷. رک: تعلیقه علی منهج المقال، ص ۲۳۳.

۶۸. مجمع الرجال، ج ۲، ص ۱۱۰؛ جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث و الرجال، ص ۱۰۳؛ روضة المتقین، ج ۹، ص ۱۲۵.

۶۹. احمد اردبیلی به نقل از تعلیقه علی منهج المقال، ص ۱۲۱.

۷۰. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۵۱.

بار توسط مجلسی به کار رفته و پس از او مورد توجه بهبهانی^{۷۱} و سید محسن امین^{۷۲} نیز قرار گرفته است. از حسن بن زیاد در سندها با عنوان الحسن بن زیاد الصیقل^{۷۳} و یا حسن الصیقل^{۷۴} نام برده شده است. صیقل نسبی است که در گذشته به صیقل دهندگان اشیای آهنی اطلاق می‌شد.^{۷۵} در میان سایر رجالیان معاصر تنها طریحی^{۷۶} و کاظمی به اشتراک اشاره داشته‌اند و از قرینه توجه به راوی و مروی عنه به تمیز ایشان پرداخته‌اند.

نمونه دیگر، تعیین ضابطه در تمیز حجال است که از جمله عناوین مشترک میان سه تن از راویان به شمار می‌رود.^{۷۷} شخص اول، ابو محمد حسن بن علی حجال، ثقه و از اصحاب قمی است. وی شریک تجاری محمد بن حسن بن ولید است. کتاب *الجامع فی ابواب الشریعة الکبیر* از آثار او است. نجاشی وجه تسمیه وی به حجال را به علت همراهی وی با حجال کوفی دانسته است.^{۷۸} مقصود از حجال، فروشنده حجل و حجل به معنای خلخال است.^{۷۹}

راوی دوم، ابو محمد عبدالله بن محمد اسدی حجال مزخرف، اهل کوفه و به نقلی از موالی بنی تیم است. در کتب رجالی از وی با تعبیر *ثقة ثقة وثبت* یاد شده است.^{۸۰} وی صاحب کتابی است که از طریق حسن بن علی کوفی روایت شده است.^{۸۱} سومین شخصی که با لقب حجال شناخته شده، احمد بن سلیمان است. وی در کتب رجالی، صریحاً توثیق نشده و تنها به استناد کتابی به او - که از طریق محمد بن خالد برقی روایت شده - اکتفا شده است.^{۸۲} البته مجلسی معتقد است حجال به طور نادر بروی اطلاق می‌شود.^{۸۳}

۷۱. تعلیقة علی منهج المقال، ص ۱۲۱.

۷۲. اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۷۵.

۷۳. رک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۶، ح ۴۷۹.

۷۴. برای مثال رک: روضة المتقین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰۹۵ و ص ۶۹۱، ح ۱۳۸۳.

۷۵. الانساب، ج ۳، ص ۵۷۵.

۷۶. جامع المقال، ص ۱۰۳؛ هداية المحدثین، ص ۱۸۸.

۷۷. مجمع الرجال، ج ۷، ص ۱۲۳؛ هداية المحدثین، ص ۳۱۲.

۷۸. رجال النجاشی، ص ۴۹.

۷۹. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۱۳.

۸۰. رجال النجاشی، ص ۲۲۶.

۸۱. فهرست کتب الشیعة، ص ۲۹۳.

۸۲. رجال النجاشی، ص ۱۰۰.

۸۳. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۹۷.

هر چند مجلسی وثاقت عبد الله بن محمد و حسن بن علی را تأیید کرده و اشتراک آنها را بلاشکال می‌داند، ولی از طریق توجه به طبقه به تمییز ایشان پرداخته است. ابو محمد، از روایان طبقه چهارم و معاصر ابن ولید است؛ حال آن که عبد الله بن محمد از معاصران حسین بن سعید (طبقه هفتم) و در زمره روایان امام رضا علیه السلام به شمار می‌رود.^{۸۴} احمد بن سلیمان نیز فردی قلیل الروایه است. این در حالی است که غالب روایات از طریق دو نفر اول یعنی حسن بن علی ابو محمد حجال و عبد الله بن محمد حجال صورت گرفته و در غالب موارد تصریح به اسم این دو نفر شده است. البته در بیشتر موارد تصریح به اسم احمد بن سلیمان حجال نیز شده است. با توجه به قلیل الروایه بودن و غالب بودن روایت عبد الله بن محمد حجال، در صورتی که عنوان حجال به صورت مطلق به کار رود، منصرف به وی خواهد بود، جز در مواردی که قرینه صارفه‌ای دلالت بر روایت از دیگری داشته باشد.^{۸۵} شایان ذکر است که کاربرد طبقه روایان در تمییز حجال نخستین بار توسط مجلسی مورد توجه قرار گرفته و پس از ایشان، کاظمی نیز از بخشی از این قاعده بهره برده است.^{۸۶} این در حالی است که سایر رجالیان چون اردبیلی و طریحی در تشخیص ایشان همتی مصروف نداشته‌اند و بصری^{۸۷} و تفرشی^{۸۸} نیز تنها به مشترک بودن این نسب اشاره کرده‌اند.

نمونه دیگر، ارائه قرینه در تمییز محمد بن زیاد است. محمد بن زیاد ملقب به ابن ابی عمیر، از روایان طبقه هشتم و از اصحاب امام رضا علیه السلام به شمار می‌رود. نجاشی از او با عنوان جلیل القدر و عظیم المنزلت نزد موافقان و مخالفان یاد کرده است.^{۸۹} شیخ طوسی معتقد است که او دوران سه امام را درک کرده است؛ امام کاظم علیه السلام بدون نقل روایتی از ایشان و نیز امام رضا علیه السلام. شیخ از سومین امام نام نبرده است، ولی به گفته مصححان، بنا بر تاریخ وفات ابن ابی عمیر، مقصود امام جواد علیه السلام است. کتب زیادی به ایشان نسبت داده شده که به گفته ابن بطه، به نقل از شیخ طوسی، این رقم به نود و چهار کتاب می‌رسد.^{۹۰}

۸۴. همان، ج ۱۴، ص ۳۵۲ و ۳۸۶.

۸۵. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۵۳.

۸۶. رک: هداية المحلثین، ص ۳۱۲.

۸۷. فائق المقال، ص ۱۹۰.

۸۸. نقد الرجال، ج ۵، ص ۲۷۵.

۸۹. رجال النجاشی، ص ۳۲۶.

۹۰. الفهرست، ص ۴۰۴.

مجلسی با استناد به سخن نجاشی ذیل نام محمد بن حسن بن زیاد عطار^{۹۱} بیان داشته که وی گاه به جدش نیز منسوب شده و عطار نیز با نام محمد بن زیاد شناخته شده است. از این رو، نام محمد بن زیاد میان عطار و ابن ابی عمیر مشترک است.^{۹۲} ابن ابی عمیر و عطار هر دو ثقه و هم طبقه هستند.^{۹۳}

در سند حدیث بیست و نهم «باب تطهیر المیاه من النجاسات» کتاب تهذیب الاحکام، نام محمد بن زیاد به طور مطلق به کار رفته است.^{۹۴} شوشتری معتقد است راوی مورد نظر عطار است؛ ولی مجلسی به قرینه روایت حسین بن سعید از محمد بن زیاد، وی را ابن ابی عمیر دانسته است. علامه مجلسی نیز در شرح این حدیث به سخن پدرش استناد کرده است.^{۹۵} اردبیلی حسین بن سعید را از راویان ابن ابی عمیر دانسته است؛^{۹۶} ولی تفرشی و بصری اشاره‌ای به نام ابن ابی عمیر ندارند و طریحی و به تبع او کاظمی،^{۹۷} در میان راویانی که محمد بن زیاد نام دارند، فقط عطار را ثقه دانسته و راویان وی را برشمرده است.^{۹۸}

مورد دیگر، تمییز محمد بن حمران است. مجلسی در تمییز راویان با نام محمد بن حمران به مقایسه اسانید پرداخته است. شیخ صدوق در مشیخه، طریق خود را یک بار به جمیل بن دراج و محمد بن حمران^{۹۹} و بار دیگر به محمد بن حمران^{۱۰۰} ذکر کرده است. از منظر مجلسی، روایت جمیل بن دراج از محمد بن حمران، صحیح^{۱۰۱} و روایت از محمد بن حمران به تنهایی حسن کالصحیح است.^{۱۰۲} مجلسی در تشخیص محمد بن حمران - که مشترک میان ابن اعین مجهول و نهدی کوفی ثقه است^{۱۰۳} - پس از شرح مختصری از

۹۱. رک: رجال النجاشی، ص ۳۶۹.

۹۲. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۳۷.

۹۳. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۳۷.

۹۴. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۲۴۱.

۹۵. ملاذ الاخیار، ج ۲، ص ۲۹۹.

۹۶. جامع الرواه، ج ۲، ص ۲۹.

۹۷. هداية المحلثین، ص ۲۳۸.

۹۸. جامع المقال، ص ۱۲۲.

۹۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۰.

۱۰۰. همان، ج ۴، ص ۴۸۹.

۱۰۱. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۸۰.

۱۰۲. همان، ج ۱۴، ص ۲۴۳.

۱۰۳. همان، ج ۴، ص ۱۸۱.

احوالات دوراوی، بیان داشته که جمیل بن دراج و محمد بن حمران نهدی دارای کتابی مشترک هستند^{۱۰۴} و هر کدام نیز مستقلاً کتابی دارند.^{۱۰۵} از این رو، هرگاه نام محمد بن حمران همراه با جمیل بن دراج ذکر شود، نهدی مقصود است.^{۱۰۶} این نکته از نظر رجالیانی چون اردبیلی، تفرشی، طریحی، کاظمی و بصری مخفی مانده است. مجلسی علاوه بر توجه به این رابطه، در تمییز محمد بن حمران از مقایسه اسانید نیز بهره برده است. در یکی از روایات «باب تحریم صید الحرم و حکمه»^{۱۰۷} و نیز «باب الجراحات و القتل بین النساء و الرجال»^{۱۰۸} و روایت «باب بینات» در تهذیب الاحکام^{۱۰۹} نام محمد بن حمران در سند به طور مطلق ذکر شده است. مجلسی پس از مقایسه سند این سه روایت، با روایت «باب التیمم» در کتاب من لا یحضره الفقیه^{۱۱۰} - که در سند آن محمد بن حمران با قید نهدی آمده - حکم نموده که در این روایات نیز باید محمد بن حمران نهدی مد نظر باشد و نه ابن اعین.^{۱۱۱} از دیگر قراین تشخیص نهدی، روایت علی بن اسباط از او است^{۱۱۲} و سایر رجالیان نیز نام وی را در زمره راویان نهدی بر شمرده‌اند.^{۱۱۳}

ابوایوب از جمله کنیه‌های مشترک میان تنی چند از راویان به شمار می‌رود. به گفته مجلسی کنیه ابوایوب به طور مطلق به ابراهیم بن عیسی منصرف است^{۱۱۴} و از این رو است که به هنگام اطلاق این عنوان در سند روایت ۳۳۳۵ «باب شهادة الزور»^{۱۱۵} و حدیث ۳۵۰۶ «باب ولاء المعتق»^{۱۱۶} ابوایوب را ابراهیم بن عثمان یا عیسی^{۱۱۷} دانسته است. فارغ از

۱۰۴. همان، ج ۵، ص ۱۸۶؛ ج ۱۰، ص ۳۵۵؛ ج ۱۴، ص ۸۰.

۱۰۵. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۲۴۲.

۱۰۶. همان، ج ۱، ص ۲۸۳؛ ج ۱۴، ص ۸۱.

۱۰۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۲۳۷۱.

۱۰۸. همان، ج ۴، ص ۱۱۹، ح ۵۲۴۰.

۱۰۹. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۵۱، ح ۵۱.

۱۱۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۲۴.

۱۱۱. روضة المتقین، ج ۴، ص ۱۸۱؛ ج ۱۴، ص ۸۱؛ ج ۱۰، ص ۳۵۵؛ ملاذ الاخیار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۱۱۲. روضة المتقین، ج ۱۱، ص ۱۶۶؛ جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث و الرجال، ص ۱۲۱.

۱۱۳. جامع المقال، ص ۷۲؛ هداية المحدثین، ص ۲۳۶؛ فائق المقال، ص ۳۱۴.

۱۱۴. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۷۹؛ ج ۱۴، ص ۱۹.

۱۱۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۶۰؛ روضة المتقین، ج ۶، ص ۱۶۴.

۱۱۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۳۷.

۱۱۷. روضة المتقین، ج ۶، ص ۳۳۹.

رجالیانی که قرینه‌ای را در تمییز ارائه نداده‌اند،^{۱۱۸} سایرین توجه به راوی و مروی عنه را در تمییز مشترکان در این کنیه کارآمد می‌دانند.^{۱۱۹} البته تفرشی ابراهیم بن عثمان را در این کنیه کنیه مشهورتر دانسته است.^{۱۲۰}

مثال دیگر، تمییز نسب مشترک و صافی عجلی است. و صافی عجلی نسبی مشترک میان دو برادر، عبد الله و عبید الله بن ولید^{۱۲۱} و پدرشان، ولید بن ابی العلاء است.^{۱۲۲} برخی رجالیان ضبط دیگری از این نسب ارائه داده و آن را با عنوان و صافی نقل کرده‌اند؛^{۱۲۳} ولی از نظر اردبیلی، ضبط صحیح همان و صافی، منسوب به و صافی، مردی از سادات عرب است و بیان داشته که امر بر برخی اصحاب ما مشتبه شده و از این رو با حرف ضاد، این نسب را ذکر کرده‌اند.^{۱۲۴} مجلسی نیز قایل به صحت و صافی است.^{۱۲۵} ابوسعید عبید الله بن ولید همچون برادرش عبد الله از اصحاب امام باقر^{علیه السلام}^{۱۲۶} و امام صادق^{علیه السلام}^{۱۲۷} است.

نظربه اشتراک این دو راوی در نام پدر، وصف و طبقه، توجه به نام، تنها راه تمییز ایشان است.^{۱۲۸} فارغ از اردبیلی و تفرشی - که اشاره‌ای به اشتراک این نام ندارند - کاظمی،^{۱۲۹} طریحی^{۱۳۰} و بصری^{۱۳۱} نیز تنها بیان داشته‌اند که نسب و صافی عجلی از انساب مشترک است، ولی برای تمییز ایشان راهکاری ارائه نکرده‌اند.

نمونه دیگر، بیان قرینه‌ای کاربردی جهت تمییز عبد الحمید است. عبد الحمید بن

۱۱۸. جامع الرواة؛ مجمع الرجال، ج ۷، ص ۸.

۱۱۹. مشترکات، ص ۱۱ و ۲۷۱؛ فائق المقال، ص ۱۷۴ و ۳۳۱.

۱۲۰. نقد الرجال، ج ۵، ص ۱۲۲.

۱۲۱. جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث و الرجال، ص ۱۴۷.

۱۲۲. نقد الرجال، ص ۳۰۴؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۴۵۳.

۱۲۳. رجال الحلی، ص ۱۱۳؛ خلاصة الاقوال، ص ۲۰۳؛ نقد الرجال، ج ۵، ص ۳۰۴؛ فائق المقال، ص ۳۴۹؛ طرائف المقال، ج ۲، ص ۳۲.

۱۲۴. جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۳.

۱۲۵. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۸۲.

۱۲۶. رجال الطوسی، ص ۱۳۹.

۱۲۷. همان، ص ۲۳۰ و ۲۶۴.

۱۲۸. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۸۷.

۱۲۹. هدایة المحدثین، ص ۳۲۰.

۱۳۰. جامع المقال، ص ۱۷۲.

۱۳۱. فائق المقال، ص ۲۲۳.

سالم، عبدالحمید بن عواض و عبدالحمید ازدی سه راوی ثقة و قریب المرتبه^{۱۳۲} و از طبقه هشتم و نهم به شمار می‌روند.^{۱۳۳} در این طبقه نام راوی مجهول دیگری نیز با نام عبدالحمید بن سعد (سعید) بجلی کوفی که صفوان بن یحیی از او روایت نقل می‌کند، به چشم می‌خورد. وی از اصحاب امام کاظم علیه السلام شمرده شده است.^{۱۳۴} غیر از این اطلاعات دیگری از عبد الحمید بن سعد بجلی کوفی در دسترس نیست. از این رو، به جهت تمیز وی از سایرین، غالباً نام پدرش نیز با او ذکر می‌شود.^{۱۳۵} اردبیلی و تفرشی به اشتراک عنوان اشاره‌ای نکرده‌اند و طریحی،^{۱۳۶} کاظمی^{۱۳۷} و بصری^{۱۳۸} نیز مطابق معمول، راویان هریک را بر شمرده‌اند.

گاه راویان علاوه بر نام، در نام پدر نیز اشتراک دارند. احمد بن حسین از جمله این نوع اشتراک است.^{۱۳۹} مجلسی ذکر نام جد را شیوه تمییز احمد بن حسین بن عبدالملک اودی (ازدی) در طریق حسن بن محبوب می‌داند؛^{۱۴۰} ولی طریحی،^{۱۴۱} کاظمی و بصری مطابق معمول تمییز ایشان را از طریق توجه به راویان میسر می‌دانند.

نمونه دیگر، احمد بن محمد بن سلیمان^{۱۴۲} ززاری، ابو غالب و ثقة است. تاریخ وفات وی ۳۶۸ ق، عنوان شده^{۱۴۳} و از این رو، باید وی را در طبقه سوم قلمداد کرد.^{۱۴۴} از احمد بن محمد بن سلیمان بیشتر با نام ابی غالب الززاری نام برده شده است^{۱۴۵} که وجه تمایز او از سایر راویان مسمی به احمد بن محمد، به شمار می‌رود. این قرینه نیز نخستین بار در کلام

۱۳۲. خلاصة الاقوال، ص ۲۰۷.

۱۳۳. رک: روضة المتقين، ج ۱۴، ص ۳۲۳.

۱۳۴. رجال البرقی، ص ۵۰؛ مجمع الرجال، ج ۴، ص ۶۸.

۱۳۵. روضة المتقين، ج ۱۴، ص ۳۷۷.

۱۳۶. جامع المقال، ص ۷۶.

۱۳۷. هداية المحدثين، ص ۹۱.

۱۳۸. فائق المقال، ص ۲۵۶.

۱۳۹. جامع المقال فیما يتعلق باحوال الحديث والرجال، ص ۹۷؛ هداية المحدثين، ص ۱۷۱.

۱۴۰. روضة المتقين، ج ۱۴، ص ۳۲۷.

۱۴۱. جامع المقال، ص ۹۷؛ هداية المحدثين، ص ۱۷۱؛ فائق المقال، ص ۲۸۵.

۱۴۲. روضة المتقين، ج ۱۴، ص ۴۸۷.

۱۴۳. الرجال لابن داود، ص ۴۲.

۱۴۴. رک: روضة المتقين، ج ۱۴، ص ۳۲۴.

۱۴۵. همان، ج ۱۴، ص ۳۳۵.

مجلسی مورد توجه قرار گرفته است. مطابق معمول رجال‌یانی چون طریحی،^{۱۴۶} کاظمی^{۱۴۷} و بصری^{۱۴۸} توجه به راویان ایشان را در تمییز کارگشا می‌دانند.

۳ - ۳. تمییز مشترکات ضمن سند روایات

نقش دیگر مجلسی به کار بردن قواعد تمییز به صورت کاربردی و ضمن شرح روایات من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام است. تمییز عناوین مشترک حماد و ابوبصیر ذیل سند دو روایت، نمونه این امر است. در سند روایت «باب آداب المسافر» در کتاب من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق به نقل از حماد بن عیسی، از امام صادق علیه السلام به نقل روایت پرداخته است.^{۱۴۹} همین روایت در الکافی به طور مطلق از حماد ذکر شده^{۱۵۰} و در سند المحاسن برقی، عبارت عن حماد بن عثمان أوابن عیسی به چشم می‌خورد.^{۱۵۱} در اسناد شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، هشت بار حماد بن عیسی و هیجده بار حماد بن عثمان، بدون واسطه از امام صادق علیه السلام نقل حدیث کرده‌اند. مجلسی معتقد است به علت قلت روایت ابن عیسی از امام صادق علیه السلام باید گفت در این سند حماد بن عثمان صحیح است و نه ابن عیسی؛ با وجود این که در باره ابن عیسی گفته شده که او از امام صادق علیه السلام هفتاد حدیث شنیده و همواره در آن شک می‌کرد تا این که به بیست حدیث اکتفا کرد. البته ممکن است این حدیث نیز جزء همان بیست حدیث صحیح از منظری باشد، ولی به علت عدم جزم شیخین، چنین یقینی حاصل نمی‌شود و ظاهراً در سند مورد بحث، راوی را از باب الحاق به اعم اغلب - که همان نقل فراوان حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام است - حماد بن عثمان باید دانست.^{۱۵۲}

ذکر این نکته ضروری است که تنها با تکیه به اسناد شیخ صدوق نمی‌توان کثرت روایت حماد بن عثمان را نتیجه گرفت، بلکه لازمه آن مراجعه به اسناد دیگر منابع نیز هست؛ زیرا کتاب من لایحضره الفقیه مشتمل بر کلیه روایات نیست و به تصریح شیخ صدوق، فقط

۱۴۶. جامع‌المقال، ص ۱۰۰.

۱۴۷. هداية المحلثین، ص ۱۷۷.

۱۴۸. فائق‌المقال، ص ۲۸۹.

۱۴۹. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۶، ح ۲۵۰۵.

۱۵۰. الکافی، ج ۸، ص ۳۴۸، ح ۵۴۷.

۱۵۱. المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۵، ح ۱۴۵.

۱۵۲. روضة المتقین، ج ۴، ص ۲۶۷.

جامع روایاتی است که مبنای فتاوای او بوده و به صحت آنها حکم کرده است.^{۱۵۳} اردبیلی معتقد است راوی در این سند، حماد بن عیسی است.^{۱۵۴} تفرشی در باره اشتراک این عنوان سخنی به میان نیاورده و طریحی^{۱۵۵} و بصری^{۱۵۶} هنگام بحث در باره سند مذکور تنها با استفاده از راوی و مروی عنه، به تمییز راویان مشترک در نام حماد پرداخته‌اند. شایان ذکر است که در این سند، منقری از ابان به نقل روایت پرداخته و کاظمی با استناد به این حدیث و در نظر گرفتن حماد بن عیسی، منقری را از راویان وی برشمرده است.^{۱۵۷} در هر صورت، نظر به وثاقت هر دو راوی، اشکالی متوجه سند احادیث نخواهد شد.^{۱۵۸}

در نمونه دوم، ارسال سند روایت «باب الجماعة و فضلها»^{۱۵۹} و «باب تحریم المدینه و فضلها»^{۱۶۰} شناسایی ابوبصیر را دشوار کرده است. مجلسی برای تشخیص او، ابتدا در صدد بازسازی سند روایت برآمده است. سند کامل حدیث اول در تهذیب الاحکام^{۱۶۱} و حدیث دوم در الکافی^{۱۶۲} ذکر شده است. مجلسی پس از ملاحظه سند کامل دو روایت، با استفاده از قاعده «دقت در راوی و مروی عنه»، به قرینه وجود عبد الله بن مسکان، بیان کرده که مقصود از ابوبصیر در این دو سند، لیث مرادی است و نه یحیی بن قاسم.^{۱۶۳} روایت عبد الله بن مسکان از مرادی و نیز توجه به راوی و مروی عنه هریک، سخنی است که سایر رجالیان نیز بدان تصریح داشته‌اند؛^{۱۶۴} ولی ذیل روایات مورد بحث، به تعیین راوی مشترک نپرداخته‌اند.

۴. عملکرد مجلسی اول در تمییز مشترکات

ضوابط مختلفی برای تمییز و تشخیص راویان مشترکات بیان شده است. از جمله

-
۱۵۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲.
 ۱۵۴. جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۷۶.
 ۱۵۵. جامع المقال، ص ۶۴.
 ۱۵۶. فائق المقال، ص ۲۴۰.
 ۱۵۷. هداية المحدثین، ص ۴۹.
 ۱۵۸. روضة المتقین، ج ۴، ص ۲۶۷.
 ۱۵۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۱۲۰۷.
 ۱۶۰. همان، ج ۲، ص ۵۶۲، ح ۳۱۵۱.
 ۱۶۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۷۹.
 ۱۶۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۶۴.
 ۱۶۳. روضة المتقین، ج ۲، ص ۵۵۷؛ لوامع صاحبقرانی، ج ۴، ص ۴۷۹.
 ۱۶۴. جامع الرواة، ج ۲، ص ۳۳۸؛ جامع المقال، ص ۹۴ و ۱۳۳؛ نقل الرجال، ج ۴، ص ۷۶؛ هداية المحدثین، ص ۲۷۴ و فائق المقال، ص ۳۳۱.

عالمانی که به موضوع تمییز مشترکات و بیان ضوابط تشخیص توجه داشته، مجلسی اول است. وی به ضوابطی همچون توجه به طبقه راوی، دقت در راوی و مروی عنه، مقایسه اسانید، جست و جوی روایت در منابع متقدم، کثرت روایت، انصراف و توجه به اطلاعات رجالی راوی اشاره داشته است که در ادامه هر یک از این ضوابط به تفصیل بررسی خواهد شد.

۴-۱. توجه به طبقه راوی

یکی از شیوه‌هایی که مجلسی برای تمییز میان روایان مشترک به کار برده است، توجه به طبقه ایشان است. مقصود از طبقه در علم رجال، گروهی از روایان هستند که در سن و دیدار مشایخ مشترک‌اند.^{۱۶۵} در بیان مجلسی، غیر از واژه طبقه، از تعریف مذکور با عنوان مرتبه نیز یاد شده^{۱۶۶} و به نظر می‌رسد تفاوتی بین این دو تعبیر نیست.

تشخیص روایان مشابه، امکان اطلاع یافتن از تدلیس، شناخت روایان در اسناد معنعن،^{۱۶۷} تشخیص ارسال و اتصال سند و در نهایت شناختن صحابه، تابعین و اتباع تابعین الی آخر از فواید شناسایی طبقات روایان به شمار می‌رود؛^{۱۶۸} برای مثال مجلسی، قایل به ارسال سند یکی از احادیث «باب الدیون و احکامها»، در تهذیب الاحکام است.^{۱۶۹} در این روایت، عبد الرحمن بن حجاج گزارشی را در باره ملاقات حکم بن عتیبه و سلمة بن کهیل با امام باقر علیه السلام نقل کرده است. مجلسی به قرینه عدم ملاقات عبد الرحمن با امام باقر علیه السلام، بیان داشته که سند حدیث مشتمل بر ارسال است و ممکن است که این واسطه محمد بن قیس باشد؛ همان طور که صدوق نیز چنین روایت کرده است. احتمال دیگر، این است که عبد الرحمن در صغرسن حدیث را شنیده باشد؛ چرا که اگر او امام باقر علیه السلام را درک کرده بود، بدان افتخار می‌کرد و رجالیان نیز نقل می‌کردند. همچنین ممکن است در سند حدیث به جای ابا جعفر علیه السلام، ابا عبد الله علیه السلام صحیح باشد.^{۱۷۰}

از دیگر فواید شناخت طبقات، رفع اضممار اسناد است؛ برای مثال مجلسی، مرجع ضمیر

۱۶۵. الرعاية فی علم الدراریة، ص ۳۸۸.

۱۶۶. برای مثال رک: روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۴؛ ص ۶۰؛ ص ۸۵؛ ۸۹.

۱۶۷. الرعاية فی علم الدراریة، ص ۳۸۶.

۱۶۸. الرعاية فی علم الدراریة، ص ۳۳۸.

۱۶۹. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۷۳.

۱۷۰. به نقل از ملاذ الاخیار، ج ۱۰، ص ۱۵۲، ح ۱۵۲.

عنه در سند روایت پنجم «باب فضل الجهاد و فروضه»، را عباس بن معروف منقول در سند قبلی می‌داند و احتمال صفار را به خاطر بُعد طبقه رد کرده است.^{۱۷۱} شیوه شناخت طبقات، طبقات، تکرار نظر، مراجعه به اسانید و تأمل در آنها است؛ زیرا گاه اسامی راویان به صورت مفصل و گاه مجمل وارد شده است.^{۱۷۲}

معیار طبقه‌بندی در میان رجالیان متفاوت است. طبقه‌بندی مجلسی بر مبنای مقطع زمانی خاصی است که وی آن را ملاک هر طبقه قرار داده است.^{۱۷۳} مجلسی اسامی راویان را از اصحاب پیامبر ﷺ تا زمان شیخ طوسی در قالب دوازده طبقه ذکر کرده است. در طبقه اول نام شیخ طوسی، نجاشی و امثال ایشان به چشم می‌خورد. طبقه دوم به شیخ مفید، ابن غضائری و معاصران آنها و طبقه سوم به شیخ صدوق و احمد بن محمد بن یحیی و امثال ایشان تعلق دارد. در طبقه چهارم نام کلینی، طبقه پنجم محمد بن یحیی، احمد بن ادريس، علی بن ابراهیم و امثال ایشان، طبقه ششم احمد بن محمد بن عیسی، محمد بن عبد الجبار و احمد بن محمد بن خالد، طبقه هفتم حسین بن سعید، حسن بن علی بن وشاء و معاصرانشان، طبقه هشتم محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، نضر بن سوید و اصحاب امام موسی بن جعفر علیه السلام به چشم می‌خورد. همچنین طبقه نهم به اصحاب امام صادق علیه السلام، طبقه دهم اصحاب امام باقر علیه السلام، طبقه یازدهم به اصحاب امام زین العابدین علیه السلام و در نهایت طبقه دوازدهم به اصحاب امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امیرمؤمنان علیه السلام اختصاص یافته است.

به تصریح مجلسی، تعیین طبقه هر یک از راویان ناظر به طبقه‌ای است که وی غالباً در آن حضور دارد؛ و گرنه ممکن است یک راوی به خاطر کبر سن و کثرت ملازمت با معصومان علیهم السلام در چند طبقه قرار گیرد.^{۱۷۴} طبقات می‌تواند در تمییز راویان مشترک به عنوان ضابطه‌ای کارآمد ظاهر شود؛ اعم از این که راویان در نام و نام پدر، نسب و یا سایر اطلاعات رجالی اشتراک داشته باشند.

نمونه استفاده مجلسی از طبقات راویان را در تشخیص حسن بن راشد یافت. هر چند این نام میان دو تن از راویان مشترک است، ولی تمییز میان ایشان از طریق شناخت طبقات

۱۷۱. به نقل از ملاذ الاخیار، ج ۹، ص ۳۲۱.

۱۷۲. جامع المقال فیما يتعلق باحوال الحدیث و الرجال، ص ۱۷۶.

۱۷۳. دانش رجال، ص ۲۳۰.

۱۷۴. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۳.

میسراسست. شخص اول طفاوی، ضعیف و صاحب کتابی است که از طریق علی بن سندی روایت شده است.^{۱۷۵} ابن غضائری پس از این که از وی با نام حسن بن اسد ابو محمد بصری یاد کرده، او را فاسد المذهب دانسته و بیان می‌دارد که طفاوی راوی و مروی عنه ضعف است و تنها نکته مثبت در او، نقل کتاب علی بن اسماعیل است. البته غیر از او اشخاص دیگری نیز به روایت کتاب پرداخته‌اند.^{۱۷۶} راوی دوم، حسن بن راشد، مکنی به علی اباعلی مولی آل مهلب بغدادی، راوی ثقه و از اصحاب امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام است.^{۱۷۸} بر اساس معیار طبقات، اگر روایت، منقول از امام صادق و امام کاظم علیه السلام باشد، راوی مورد نظر، طفاوی است و اگر منقول از امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و یا راویان این طبقه باشد، حسن بن راشد ثقه مد نظر است.^{۱۸۰} بر این اساس است که مجلسی در سند روایت ۵۵۵۵، «باب نوادر الوصایا»، حسن بن راشد را بغدادی ثقه دانسته و احتمال طفاوی ضعیف را به خاطر بُعد طبقه ممتنع می‌داند.^{۱۸۱} همچنین در تشخیص حجال و ابن مسکان مجلسی از طبقات بهره گرفته است که در بررسی نقش مجلسی در تمیز مشترکات به تفصیل مورد اشاره قرار گرفت. از دیگر عناوین مشترکی که مجلسی با عنایت به طبقات راویان، به تمیز آنان پرداخته است می‌توان از محمد بن عیسی،^{۱۸۲} لؤلؤی،^{۱۸۳} حسن بن راشد،^{۱۸۴} ابان بن تغلب و ابان بن عثمان،^{۱۸۵} حمزة بن محمد قزوینی و طیار،^{۱۸۶} احمد بن محمد بن زید الخزاعی،^{۱۸۷} محمد بن علی همدانی (همدانی) و محمد بن علی صیرفی^{۱۸۸} و

۱۷۵. رجال النجاشی، ص ۳۸.

۱۷۶. رجال ابن غضائری، ص ۵۲.

۱۷۷. فهرست الطوسی، ص ۳۷۵.

۱۷۸. رجال الطوسی، ص ۳۸۵.

۱۷۹. جامع المقال، ص ۱۰۳.

۱۸۰. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۹۲.

۱۸۱. همان، ج ۱۱، ص ۱۴۰.

۱۸۲. همان، ج ۱۴، ص ۴۴۶.

۱۸۳. همان، ص ۲۰۷.

۱۸۴. همان، ص ۹۲.

۱۸۵. همان، ص ۳۲۵.

۱۸۶. همان، ص ۳۶۱.

۱۸۷. همان، ص ۶۰.

۱۸۸. همان، ص ۴۴۳.

علی بن اسماعیل میثمی، ابن عمار و علی بن اسماعیل بن عیسی^{۱۸۹} نام برد.

۴-۲. دقت در راوی و مروی عنه

یکی دیگر از ضوابطی - که در تمییز راویان مشترک به کار می‌رود - توجه به اساتید و شاگردان ایشان است. البته نمی‌توان تنها با اتکا به این قاعده به تمییز راویان پرداخت؛ زیرا ذکر مشایخ و شاگردان، دلالتی در حصر راوی در مروی عنه و بالعکس ندارد^{۱۹۰} و انحصار، تنها به موجب تصریح، مورد پذیرش است.^{۱۹۱} از این رو، این قاعده در محدود کردن دامنه اسامی راویان مشترک و به عنوان قرینه در کنار سایر قواعد رجالی موثر است. مجلسی نیز در تمییز مشترکات از این قاعده استفاده کرده است.

نمونه استفاده از رابطه راوی و مروی عنه در تمییز راویان مشترک، در تشخیص نام آدم مشهود است. شخص اول، آدم بن اسحاق بن آدم بن عبد الله بن سعد، اشعری و از راویان قمی است. محمد بن عبد الجبار و احمد بن محمد بن خالد راویان کتاب او هستند.^{۱۹۲} راوی دوم، آدم بن حسین نخاس راوی کوفی و ثقه است. وی صاحب اصل بنده که توسط اسماعیل بن مهران روایت شده است.^{۱۹۳} هر دو راوی در طبقه هفتم و هشتم و در مرتبه حسین بن سعید، حماد و ابن ابی عمیر هستند. وثاقت این دو راوی ثابت است و با وجود این که اشتراک، ضرری ندارد، ولی می‌توان از رابطه مشایخ و شاگردان، این دو نفر را تمییز داد. آدم بن اسحاق بن آدم بن عبد الله بن سعد اشعری قمی، از مشایخ محمد بن عبد الجبار و احمد بن محمد بن خالد است و راوی آدم بن حسین نخاس، اسماعیل بن مهران است.^{۱۹۴}

نمونه دیگر، تمییز محمد بن زیاد است که ذیل عنوان نقش مجلسی در تمییز مشترکات در باره آن سخن به میان رفت. سایر مواردی را که مجلسی با توجه به اساتید و شاگردان به تمییز راویان مشترک همت گمارده، می‌توان در تمییز حسن بن صالح،^{۱۹۵} احمد بن محمد،^{۱۹۶} ابو

۱۸۹. همان، ص ۱۸۸.

۱۹۰. قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۴۴۵.

۱۹۱. همان، ج ۱، ص ۱۹.

۱۹۲. رجال النجاشی، ص ۱۰۵.

۱۹۳. همان، ص ۱۰۴.

۱۹۴. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

۱۹۵. همان، ص ۳۵۱.

۱۹۶. همان، ص ۴۴ و ۳۳۲ و ۳۳۳.

اسحاق،^{۱۹۷} ابوبصیر،^{۱۹۸} محمد بن اسماعیل،^{۱۹۹} محمد بن قیس،^{۲۰۰} معاویه بن وهب،^{۲۰۱} علی بن بلال بن ابی معاویه مهلبی ازدی و علی بن بلال بغدادی،^{۲۰۲} ابن فضال،^{۲۰۳} محمد بن عیسی بن عبید،^{۲۰۴} داود بن ابی زید^{۲۰۵} و عباس بن موسی^{۲۰۶} ملاحظه کرد.

۴ - ۳. مقایسه اسانید

اسانید جمع سند و به معنای طریق متن است. مقصود از سند، مجموعه افرادی است که متن را نقل کرده‌اند.^{۲۰۷} یکی دیگر از ضوابطی که در تمییز روایان مشترک به کار می‌رود، مقایسه اسانید است. در این شیوه، بدون توجه به متن روایت، به مقایسه دو یا چند سند با وجهی مشترک پرداخته می‌شود و با توجه به قراین موجود در این اسناد، راوی مشترک تشخیص داده می‌شود.

کاربرد این قاعده در مباحث رجالی مجلسی نیز به چشم می‌خورد. مجلسی در تمییز روایان با نام محمد بن حمران به مقایسه اسانید پرداخته است که ذیل عنوان نقش مجلسی در تمییز مشترکات از نحوه عملکرد وی در تشخیص محمد بن حمران سخن به میان رفت. نمونه دیگر کاربرد این قاعده توسط مجلسی، تشخیص عاصمی در خیل روایانی است که احمد بن محمد نامیده شده‌اند. عاصمی از جمله روایانی است که از ائمه روایت نقل نکرده است و ابن جنید و ابن داود از شاگردان او به شمار می‌روند.^{۲۰۸} مجلسی پس از بیان طبقه و تأیید وثاقت عاصمی، به طور کلی بیان کرده هر گاه در اسناد الکافی عبارت احمد بن محمد عن علی بن الحسن ذکر شود، مقصود از راوی مورد نظر عاصمی است؛ زیرا کلینی در بعضی از

۱۹۷. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۶ و ۴۷۹.

۱۹۸. همان، ص ۱۸۵.

۱۹۹. همان، ج ۱، ص ۱۳۲؛ ج ۱۴، ص ۴۲۹.

۲۰۰. همان، ج ۱۴، ص ۲۵۲.

۲۰۱. همان، ص ۲۷۰.

۲۰۲. همان، ص ۱۸۸.

۲۰۳. همان، ص ۴۹۵.

۲۰۴. همان، ص ۲۸۶.

۲۰۵. همان، ص ۱۱۲.

۲۰۶. به نقل از ملاذ الاختیار، ج ۸، ص ۳۱۱.

۲۰۷. الرعاية فی علم الدراية، ص ۵۳.

۲۰۸. رجال الطوسی، ص ۴۱۶.

اسناد خود به نام وی تصریح کرده است.^{۲۰۹} از این رو، با مقایسه اسناد روایاتی که به طور مطلق، از عاصمی با عنوان احمد بن محمد یاد نموده‌اند، با روایات کلینی می‌توان عاصمی را از سایر روایان تشخیص داد.^{۲۱۰} به همین جهت، مجلسی پس از ذکر روایتی در «باب الرجلین یوصی الیہما فینفرد کل واحد منهما بنصف التركة»،^{۲۱۱} احمد بن محمد را عاصمی دانسته است.^{۲۱۲}

۴-۴. جست و جوی روایت در منابع متقدم

یکی از عوامل ایجاد اشتراک، اختصار اسناد است. اختصار سند موجب از بین رفتن قراین جهت تمییز روایان مشترک می‌شود. نظریه این که شیوه شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه بر حذف اسانید^{۲۱۳} و ذکر طرق در مشیخه است، تمییز روایان مشترک گاه با مشکل مواجه شده است. بازسازی سند احادیث گام اول در تمییز مشترکات به شمار می‌رود. از طریق جست و جوی روایت مورد نظر در منابع حدیثی متقدم، می‌توان به بازسازی اسانید پرداخته و با استفاده از سایر قواعد، راوی مشترک مورد نظر را تشخیص داد.

مجلسی در دو مورد از این قاعده بهره برده است. در نمونه اول، تمییز ابوبصیر در روایت «باب الجماعة و فضلها»^{۲۱۴} و «باب تحریم المدینة و فضلها»^{۲۱۵} است که ذیل عنوان نقش مجلسی در تمییز مشترکات مورد بررسی قرار گرفت.

نمونه دیگر، تمییز نام مشترک ابان است.^{۲۱۶} مجلسی در تعیین ابان در روایت «باب الارتداد»،^{۲۱۷} به سند همین روایت در منابع متقدم مراجعه کرده است. در تهذیب الاحکام نیز همانند من لایحضره الفقیه نام ابان به طور مطلق ذکر شده است؛^{۲۱۸} ولی در سند الکافی نام

۲۰۹. برای مثال، رک: الکافی، ج ۴، ص ۴۷۱؛ ج ۵، ص ۲۹۸ و ۳۱۸.

۲۱۰. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۳۴.

۲۱۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۰۳.

۲۱۲. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۳۴؛ ج ۱۱، ص ۷۹.

۲۱۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲.

۲۱۴. همان، ص ۴۰۶، ح ۱۲۰۷.

۲۱۵. همان، ج ۲، ص ۵۶۲، ح ۳۱۵۱.

۲۱۶. جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث و الرجال، ص ۵۲؛ هداية المحدثین، ص ۶.

۲۱۷. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۲، ح ۳۵۵۵.

۲۱۸. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۴۳.

ابان بن عثمان به چشم می خورد.^{۲۱۹} مجلسی بیان داشته که در بعضی از نسخ، از ابان بن تغلب نام برده شده و در عین حال، این نظرا اشتباه می داند. وی قرینه خود بر خطا دانستن ابن تغلب را ذکر نکرده، ولی با استناد به سخن کلینی، راوی مورد بحث را ابان بن عثمان دانسته است.^{۲۲۰} این در حالی است که اردبیلی با استناد به من لایحضره الفقیه، راوی مورد نظرا ابن تغلب معرفی کرده است.^{۲۲۱}

۴ - ۵. کثرت روایت

از دیگر قراین تمییز مشترکات، کثرت روایت یکی از راویان مشترک نسبت به سایرین است؛ بدین معنا که هرگاه از یکی از راویان مشترک، به طور مطلق، روایات بیشتری نقل شده باشد، و یا از یکی از ایشان به نسبت سایرین، روایات بیشتری از یکی از محدثان نقل شده باشد، باید او را بر راوی مشترک دیگر مقدم داشت. مجلسی در تمییز حماد و محمد بن عبد الله از این قاعده بهره برده است که نمونه استفاده مجلسی از این قاعده در تمییز حماد ذیل عنوان نقش مجلسی در تمییز مشترکات بررسی شد.

مثال دیگر، اشتراک نام محمد بن عبد الله میان چند تن از راویان است. مجلسی در شرح مشیخه، از شش راوی با نام محمد بن عبد الله یاد کرده است.^{۲۲۲} او در بیان طریق شیخ صدوق به عیسی بن عبد الله هاشمی، نظربه کثرت روایت محمد بن عبد الله ابن زراره از عیسی، وی را ابن زراره می داند.^{۲۲۳} همچنین در برخی سندها، بزنی از محمد بن عبد الله حدیث نقل کرده است. مجلسی به قرینه کثرت روایت بزنی از ابن زراره، راوی مورد نظرا محمد بن عبد الله بن زراره دانسته است.^{۲۲۴} نمونه دیگر بهره مندی مجلسی از این قاعده در تمییز عمرو بن الیاس بجلی است.^{۲۲۵}

۴ - ۶. انصراف

مقصود از انصراف، کثرت استعمال لفظ مشترک در یکی از معانی آن است؛ به گونه ای که

۲۱۹. الکافی، ج ۷، ص ۱۵۲.

۲۲۰. روضة المتقین، ج ۶، ص ۳۹۳.

۲۲۱. جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۰.

۲۲۲. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۴۰.

۲۲۳. همان، ص ۲۱۶.

۲۲۴. همان، ج ۵، ص ۵۴؛ ج ۸، ص ۳۰۰.

۲۲۵. همان، ج ۱۴، ص ۴۰۲.

به قرینه معینه آن بدل شود.^{۲۲۶} در تمییز راویان مشترک می‌توان از این قاعده نیز بهره برد. بنا بر گفته مجلسی شیوه اصحاب در بیان سندها این است که اطلاق به افراد مشهور بازمی‌گردد و در صورت عدم شهرت راوی، نام جد وی را نیز به جهت اشتباه نشدن، ذکر می‌کنند.^{۲۲۷} در میان مباحث رجالی مجلسی دو مورد استفاده از قاعده انصراف در تمییز محمد بن میسرو محمد بن میسره و نیز کنیه مشترک ابویوب مشهود است که سخن در باره آن به تفصیل بیان شد. همچنین وی در تمییز نام مشترک عبد الصمد از قاعده انصراف بهره برده است. نام عبد الصمد میان چند تن از راویان مشترک است، ولی غیر از عبد الصمد بن بشیر، سایر راویان مسمی به این نام مجهول هستند.^{۲۲۸} در صورتی که این نام به طور مطلق ذکر شود، به خصوص در کتاب *من لا یحضره الفقیه*، انصراف برابن بشیر دارد؛ زیرا شیخ صدوق طریق خود را به عبد الصمد بن بشیر ذکر کرده است.^{۲۲۹}

۴ - ۷. توجه به اطلاعات رجالی راوی

علم رجال را علمی دانسته‌اند که برای تشخیص ذات، وصف، مدح و قدح راویان وضع شده است. مقصود از شناخت ذات، شناخت شخصیت راویان و نام پدرانشان است.^{۲۳۰} از این رو، در کتب رجالی، غالباً نام راوی، کنیه، نام پدر، نام جد، نسب، لقب، موطن، قبیله، شغل و اوصاف دیگر ذکر می‌شود. توجه به هریک از این اطلاعات رجالی می‌تواند قرینه‌ای برای تمییز راویان مشترک باشد. در ادامه کاربرد هریک از این موارد توسط مجلسی اول بررسی می‌شود.

۴ - ۷ - ۱. توجه به نام راوی

وصافی عجلی نسبی مشترک میان دو برادر، عبد الله و عبید الله بن ولید^{۲۳۱} و پدرشان، ولید ولید بن ابی العلاء است.^{۲۳۲} ابوسعید عبید الله بن ولید همچون برادرش عبد الله از اصحاب

۲۲۶. *وجیزة فی علم الرجال*، ص ۴۵.

۲۲۷. *روضۃ المتقین*، ج ۱۴، ص ۱۸۸.

۲۲۸. همان، ص ۳۸۰.

۲۲۹. همان، ص ۳۸۰.

۲۳۰. *کلیات فی علم الرجال*، ص ۱۱.

۲۳۱. *جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث و الرجال*، ص ۱۴۷.

۲۳۲. *نقد الرجال*، ص ۳۰۴؛ *جامع الرواة*، ج ۲، ص ۴۵۳.

امام باقر علیه السلام^{۲۳۳} و امام صادق علیه السلام^{۲۳۴} است. نظر به اشتراک این دو راوی در نام پدر، وصف و طبقه، توجه به نام، تنها راه تمییز ایشان است.^{۲۳۵} همچنین مجلسی در تمییز عنوان مشترک حجال، توجه به نام راویان را در تشخیص ایشان موثر می‌داند.^{۲۳۶}

۴-۷-۲. ذکر راوی با نام پدر

در تمییز راویان با نام‌های مشترک و هم طبقه و یا قریب الطبقة، ذکر نام پدر راویان، می‌تواند به تشخیص ایشان کمک کند. مجلسی در تمییز عنوان مشترک عبد الحمید بن سالم، از این قاعده بهره گرفته است^{۲۳۷} که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. مثال دیگر، ابان ابان است که نامی مشترک میان دو راوی از طبقه نهم، دهم و یازدهم به شمار می‌رود. ابان بن ابی عیاش، راوی ضعیفی است که وضع کتاب سلیم بن قیس به وی نسبت داده شده^{۲۳۸} و از او با عنوان واضع حدیث یاد شده است،^{۲۳۹} و ابان بن تغلب، که تعابیری چون عظیم المنزلت^{۲۴۰} ثقه و جلیل القدر^{۲۴۱} بر او اطلاق شده است. از این رو، شناخت این دو راوی ضروری به نظر می‌رسد. مجلسی ذکر دئمی نام پدر این دو راوی را قرینه برای تشخیص هر یک دانسته است. همچنین توجه به راوی و مروی عنه نیز در تمییز ایشان نقش مؤثری دارد.^{۲۴۲} غیر از اردبیلی و تفرشی - که سخنی از اشتراک ندارند - سایر رجالیان نیز تنها راویان هریک را نام برده‌اند.^{۲۴۳}

گاهی راویان علاوه بر نام، در نام پدر نیز اشتراک دارند. نمونه این امر عنوان احمد بن حسین از جمله این نوع است.^{۲۴۴} مجلسی ذکر نام جد را شیوه تمییز احمد بن حسین بن

۲۳۳. رجال الطوسی، ص ۱۳۹.

۲۳۴. همان، ص ۲۳۰ و ۲۶۴.

۲۳۵. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۸۷.

۲۳۶. همان، ص ۳۵۲.

۲۳۷. همان، ص ۳۷۷.

۲۳۸. رجال ابن الغضائری، ص ۳۶؛ الرجال لابن داود، ص ۴۱۴.

۲۳۹. الرجال لابن داود، ص ۵۴۹.

۲۴۰. رجال النجاشی، ص ۱۰.

۲۴۱. فهرست مصنفات الشيعة، ص ۴۴.

۲۴۲. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۵.

۲۴۳. جامع المقال، ص ۵۲؛ هداية المحدثین، ص ۶، فائق المقال، ص ۲۲۵.

۲۴۴. جامع المقال فيما يتعلق باحوال الحديث والرجال، ص ۹۷؛ هداية المحدثین، ص ۱۷۱.

عبدالملک اودی (ازدی) در طریق حسن بن محبوب می‌داند.^{۲۴۵} همچنین مجلسی در تمییز آدم بن حسین و آدم بن اسحاق،^{۲۴۶} جمیل،^{۲۴۷} احمد بن محمد بن سعید بن عقده،^{۲۴۸} احمد بن محمد بن نوح^{۲۴۹} و احمد بن حسین^{۲۵۰} نیز از این قاعده بهره برده است.

۴ - ۷ - ۳. توجه به کنیه راوی

کنیه اسمی است که برای تعظیم اشخاص برایشان اطلاق می‌شود^{۲۵۱} و مقصود از آن در زبان عربی، نام‌هایی است که با اب، ام، ابن و یا بنت آغاز شده است.^{۲۵۲} البته این در صورتی است که واژه اب مضاف به اسم انسان شود؛ ولی اگر به اسم غیرانسان اضافه شود، بدان لقب می‌گویند.^{۲۵۳} همچنین در کنیه شرط است که فرد دارای فرزندی بدان نام باشد.^{۲۵۴} در تمییز راویانی که در نام، نام پدر و یا برخی اطلاعات رجالی دیگر اشتراک دارند، کنیه نیز می‌تواند در تشخیص ایشان راهگشا باشد.

مثال کارایی کنیه، تمییز میان دو راوی با نام واقد و احمد بن محمد بن سلیمان است که در باره آن به میان سخن آمد.

نمونه دیگر کاربرد این قاعده توسط مجلسی در تمییز راویان مشترک در نام ابراهیم بن عبدالحمید است. ابراهیم بن عبدالحمید، واقفی، موثق و از راویان امام کاظم^{علیه السلام} و ابراهیم بن عثمان یا ابن عیسی،^{۲۵۶} ثقه و از اصحاب امام صادق و امام کاظم^{علیه السلام} هستند^{۲۵۷} و در زمره راویان طبقه هشتم به شمار می‌روند.^{۲۵۸} تمییز این دو راوی، علاوه بر توجه به نام پدر،

۲۴۵. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۷.

۲۴۶. همان، ص ۴۲۵.

۲۴۷. همان، ص ۳۳۹.

۲۴۸. همان، ص ۴۶.

۲۴۹. همان، ص ۳۳۳.

۲۵۰. همان، ص ۳۲۷.

۲۵۱. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۶۳.

۲۵۲. تاج العروس من جوهر القاموس، ج ۲۰، ص ۱۳۵.

۲۵۳. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۵.

۲۵۴. همان، ص ۱۷.

۲۵۵. رجال الطوسی، ص ۳۳۲.

۲۵۶. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۷.

۲۵۷. رجال النجاشی، ص ۲۰.

۲۵۸. رک: روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۳.

از طریق کنیه ابراهیم بن عثمان، ابویوب خزاز، میسراست. البته در این طبقه با منصور بن حازم مواجه می‌شویم که وی نیز با کنیه ابویوب مشهور است، ولی علاوه بر ذکر کنیه، نام ایشان نیز در سند بیان می‌شود.^{۲۵۹} ابراهیم بن نعیم، راوی دیگری است که با ابراهیم بن عبدالحمید و ابراهیم بن عثمان، یک طبقه فاصله دارد و از امامین صادقین علیهما السلام نقل روایت نموده است.^{۲۶۰} و شهرت او به کنیه ابوالصبح الکنانی مانع از اشتباه شدن او با راوی هم طبقه اش، ابراهیم بن عمریمانی، که همواره با نام پدرش از وی یاد شده، می‌شود.^{۲۶۱}

۴-۷-۴. دقت در نسب راوی

نسب به معنای قرابت است که از طریق پدر است. همچنین نسب به شهر و شغل نیز تعلق می‌گیرد.^{۲۶۲} در تشخیص راویان مشترک نسب نیز می‌تواند کارآمد باشد. نمونه کاربرد این قرینه تمییز حمدان دیوانی است که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. نمونه دیگر کارایی نسب، در تمییز حسن بن زیاد به چشم می‌خورد. حسن بن زیاد از جمله اسامی مشترک است.^{۲۶۳} بر اساس تتبع تام مجلسی، نام حسن بن زیاد صیقل در بیشتر موارد مقید به این نسب است. از این رو، ذکر نام حسن بن زیاد به طور مطلق، دال بر حسن بن زیاد عطار است.^{۲۶۴}

۵. نتیجه‌گیری

۱. تمییز مشترکات از جمله مباحث تحقیقی علم رجال است که در بین متأخران و پس از آنها مورد توجه قرار گرفته است. مقصود از حدیث مشترک، حدیثی است که برخی راویان موجود در سند آن، به علت تشابهات اسمی، قابلیت انطباق بر چند نفر را داشته باشند. علل پدیدآیی اشتراک، تلخیص سند به اتکای سند قبلی، اختصار در نسب، حذف اسم راوی و ذکر لقب یا کنیه او و ذکر نام راوی بدون پسوند است.
۲. نقش مجلسی اول به عنوان فردی اثرگذار در مبحث تمییز راویان مشترک از چند جهت

۲۵۹. همان، ص ۳۲۷.

۲۶۰. رجال الکشی، ص ۲۴.

۲۶۱. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۷.

۲۶۲. لسان العرب، ج ۱، ص ۷۵۵.

۲۶۳. مجمع الرجال، ج ۲، ص ۱۱۰؛ جامع المقال فیما يتعلق باحوال الحدیث و الرجال، ص ۱۰۳؛ روضة المتقین، ج ۹، ص ۱۲۵.

۲۶۴. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۵۱.

توجه به اشتراک عناوین مغفول توسط دیگر رجالیان، ذکر قرینه کاربردی در تمییز مشترکات و تمییز مشترکات ضمن بررسی روایات قابل بررسی است.

۳. ذکر اشتراک و بیان راهکار در تمییز عناوین مشترک محمد بن میسر، حمدان دیوانی، ابن مسکان و حسن بن صالح ناظر به توجه مجلسی اول به عناوین مغفول در تمییز مشترکات است که پس از وی مورد توجه برخی رجالیان چون بهبهانی و کاظمی نیز قرار گرفته است.

۴. بیان ضوابط کاربردی و متفاوت از دیگر رجالیان در تمییز برخی راویان مشترک که در مواردی همچون توجه به کنیه در تمییز واقد، بیان تقیید حسن بن صالح به نسب صیقل و انصراف نسب حجال به عبدالله بن محمد حجال صورت گرفته، مورد استفاده رجالیان پس از وی قرار گرفته است. همچنین سایر عناوینی که مجلسی در تمییز آنان به تبیین قواعد کاربردی پرداخته است، عبارت اند از: محمد بن زیاد، محمد بن حمران، ابویوب، و صافی عجلی، عبد الحمید و احمد بن محمد بن سلیمان.

۵. در بررسی های رجالی مجلسی اول، با سه دسته اشتراک مواجه هستیم: دسته اول، اسامی مشترکی است که مجلسی بدان تصریح داشته و ضوابطی را در تمییز آنان به کار برده است. این قسم از اشتراک حدوداً ۵۱ راوی را در بر می گیرد. دسته دوم، نام های مشترکی است که مجلسی با وجود تصریح به آن، قواعدی را در تشخیص ایشان به کار نبرده است و تنها بیان کرده که نام این راوی در زمره راویان مشترک است. این دسته از اشتراک نیز شامل نام ۲۹ راوی است. سومین دسته نیز اسامی مشترکی است که در فهرست مشیخه با آن مواجه هستیم، ولی مجلسی مستقیماً به اشتراک نام ایشان تصریح نداشته است.

۶. مجلسی اول، در تمییز راویان مشترک از هفت قاعده بهره برده و بسیاری از آرای او مورد توجه معاصران و افراد پس از وی قرار گرفته است. البته وی نیز به تبع معاصرانش، بیشتر راویان را بر اساس به قاعده «توجه به راوی و مروی عنه» شناسایی کرده است. مجلسی اول در تمییز چهارده عنوان از عناوین مشترک از ضابطه توجه به مشایخ و شاگردان استفاده کرده است. همچنین تمییزده عنوان مشترک را بر اساس طبقات میسر دانسته است. مجلسی اول با مقایسه دو یا چند سند - که دارای وجهی مشترک اند - عنوان مشترک محمد بن حمران و احمد بن محمد عاصمی را بر این اساس شناسایی کرده است.

۷. از دیگر ضوابط، تتبع و جست و جوی روایت مشترک در منابع متقدم است که بر پایه این ضابطه، مجلسی اول وضعیت راویانی همچون ابوبصیر لیث مرادی و ابان بن عثمان را

روشن ساخته است. همچنین بر اساس قرینه کثرت روایت عنوانی همچون حماد و عبد الله بن محمد بن زراره قابل تشخیص اند.

۸. ضابطه دیگر، انصراف است که مجلسی اول در تمییز عبد الصمد و محمد بن میسر یا میسرة از این قاعده بهره برده است. بهبهانی و بروجردی نیز ضمن نقل سخن مجلسی ذیل تمییز نام محمد بن میسر، از آن استفاده کرده اند.

۹. توجه به اطلاعات راوی از دیگر ضوابطی است که مجلسی اول در تشخیص راویان مشترک به کار بسته است. در بررسی اطلاعات راوی، توجه به نام راوی، نام پدر، کنیه و نسب وی می تواند در تمییز راویان مشترک مؤثر باشد. مجلسی اول شناخت راویان منتسب مجلسی راویان منتسب به وصافی عجلی و نیز حماد را از طریق توجه به نام راوی، تمییز داده است. همچنین شناخت راویان مسمی به عبد الحمید، ابان، آدم و جمیل توسط مجلسی بر اساس دقت در نام پدر هر یک از راویان صورت گرفته است.

۱۰. مجلسی راویان مسمی به عبد الله بن ولید، حسن بن زیاد و حمدان را از طریق دقت در نسب راوی شناسایی کرده است. به ادعای مجلسی لقب دیوانی تنها بریک نفر اطلاق می شود و از این رو، نقطه تمایز وی از سایر راویان مسمی به حمدان است. بهبهانی نیز این سخن مجلسی را نقل کرده و پذیرفته است. همچنین مجلسی بیان داشته که حسن بن زیاد صیقل در اکثر موارد با نسب ذکر می شود و وجه تمایز او نسبت به عطار است. بررسی کتب پیش از مجلسی حاکی از این است که توجه به این قرینه در تمییز صیقل نخستین بار توسط مجلسی به کار رفته و پس از او مورد توجه بهبهانی و سید محسن امین قرار گرفته است.

کتابنامه

- اعیان الشیعة، محسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- الانساب، سمعانی، بیروت: دار الجنان، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- الدرر الی تصانیف الشیعة، آقا بزرگ طهرانی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.
- تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی زبیدی، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- تعلیقة علی منهج المقال، وحید بهبهانی، بی جا، بی نا، بی چا، بی تا.
- تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.

- توضیح المقال، ملا علی کنی، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- جامع الرواة، محمد بن علی اردبیلی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، بی جا، ۱۴۰۳ق.
- جامع المقال فیما يتعلق باحوال الحدیث والرجال، فخرالدین طریحی، تهران: حیدری، بی تا.
- خلاصة الاقوال، حسن بن یوسف بن مطهر علامه حلی، قم: مؤسسه نشر الفقهیة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- دانش رجال، ابوطالب علی نژاد، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
- الرجال، ابن غضایری، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
- الرجال، احمد بن محمد بن خالد برقی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ش.
- الرجال، حسن بن علی بن داود حلی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ش.
- الرجال، حسن بن یوسف بن مطهر علامه حلی، نجف، دار الذخائر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
- الرجال، نجاشی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
- الرعاية فی علم الدراية، شهید ثانی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
- روضة المتقین، محمد تقی مجلسی، قم: کوشانپور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- طرائف المقال، سید علی بروجردی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- فائق المقال فی الحدیث والرجال، احمد بن عبد الرضا بصری، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- الفوائد الرجالية، وحید بهبهانی، بی جا، بی نا، بی جا، بی تا.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، قم: مکتبة المحقق الطباطبائی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- قاموس الرجال، محمد تقی تستری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کلیات فی علم الرجال، محمد تقی سبحانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۸ق.
- لسان العرب، ابن منظور، بیروت: دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

- لوامع صاحبقرانی، محمد تقی مجلسی، قم: اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- مجمع البحرين، فخرالدین طریحی، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
- مجمع الرجال، مولی عنایة الله قهپایی، قم: اسماعیلیان، بی‌جا، ۱۳۸۴ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم: دارالکتب، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خوئی، بی‌نا، بی‌جا، بی‌جا، ۱۴۱۳ق.
- المفید من معجم رجال الحدیث، محمد جواهری، قم: مکتبه محلاتی، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
- مقیاس الرواة فی کلیات علم الرجال، علی اکبر سیفی مازندرانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
- ملاذ الاخیار، محمد باقر مجلسی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- منتقى الجمال، شیخ حسن صاحب المعالم، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
- نقد الرجال، سید مصطفی تفرشی، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- وجیزة فی علم الرجال، ابوالحسن مشکینی، بیروت: مؤسسه اعلمی، بی‌جا، ۱۴۱۱ق.
- هدایة المحدثین، محمد امین بن محمد علی کاظمی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، بی‌جا، ۱۴۰۵ق.

چکیده عربی

